

بررسی تطبیقی تفسیر آیه «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» در تفاسیر امامیه و اهل سنت تا قرن چهارم

محمد علی همتی^۱

چکیده

معنا و مصداق «الْقُرْبَى» در آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» از دید باز مورد اختلاف مفسران فریقین بوده است. در تفاسیر اهل سنت، معانی و مصادیق متعددی برای «الْقُرْبَى» ذکر شده است، در حالی که تفاسیر شیعی تنها یک معنا و مصداق را پذیرفته‌اند. مبنای اصلی تفسیر این واژه در هر دو دیدگاه، روایات تفسیری است. این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش تطبیقی-تحلیلی، در پی آن است که معنا و مصداق دقیق‌تری از «الْقُرْبَى» را در تفاسیر فریقین تا پایان قرن چهارم هجری به دست دهد. مفسران اهل سنت، معانی مختلفی چون: خویشاوندان قریش، اهل بیت پیامبر ﷺ، عمل صالحی که موجب تقرب به خداوند می‌شود، و به طور کلی، مطلق خویشاوندی افراد را برای واژه «الْقُرْبَى» بیان کرده‌اند. در مقابل، تفاسیر شیعه، «الْقُرْبَى» را به روشنی به اهل بیت پیامبر ﷺ تفسیر کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روایاتی که در منابع اهل سنت معانی‌ای جز اهل بیت ﷺ برای «الْقُرْبَى» مطرح کرده‌اند، یا برآمده از اجتهاد صحابه و تابعین بوده‌اند، یا در برخی موارد شائبه جعل و تحریف در آن‌ها وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: القربى، محبت اهل بیت، خویشاوندی با قریش، تفسیر فریقین.

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. (نویسنده مسؤول) (mohammadlaihemati@gmail.com).

۱. مقدمه

در طول ادوار مختلف، مفسران اعم از شیعه و اهل سنت درباره معنای واژه و تعیین مصداق «الْقُرْبَى» در آیه ۲۳ سوره شوری، اختلاف نظر داشته‌اند. خداوند در این آیه می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾

این همان چیزی است که خداوند به بندگان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، بشارت می‌دهد. بگو: «من در برابر این [رسالت]، هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر پاداشش می‌افزایم. بی‌تردید، خداوند آمرزنده و سپاس‌پذیر است.

در تفاسیر اولیه اهل سنت، چهار معنا برای «الْقُرْبَى» ذکر شده است:

۱. خویشاوندی با تمام قریش،

۲. اهل بیت پیامبر، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۳. عمل صالحی که موجب تقرب به درگاه الهی می‌شود،

۴. خویشاوندی میان افراد.

در مقابل، مفسران امامیه تنها یک معنا و مصداق برای آن قائل‌اند و «الْقُرْبَى» را به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام تفسیر کرده‌اند.

پژوهش حاضر در پی آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

مبنای تفسیری مفسران امامیه و اهل سنت در قرون نخستین (قرن دوم تا چهارم هجری) درباره عبارت «...الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» چیست؟

آیا معانی مختلفی که در تفاسیر اهل سنت آمده قابل جمع هستند؟ اگر نه، کدام دیدگاه ترجیح دارد؟

کدام یک از آرای تفسیری اهل سنت با دیدگاه تفسیری امامیه همخوانی دارد و چرا؟

آیا منابع روایی متقدم امامیه در تبیین معنای «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» نقش روشن‌گر دارند؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، ابتدا باید معنا و مفهوم «الْقُرْبَى» در منابع لغوی بررسی

شود و سپس با تحلیل تطبیقی تفاسیر و منابع روایی فریقین، دیدگاه‌ها ارزیابی گردد.





۲. القربی در لغت

«قُربی» از ریشه «قرب» گرفته شده است. ابن فارس برای این ماده، یک اصل معنا قائل است که آن را ضد بُعد (دوری) می‌داند. اکثر لغت‌پژوهان نیز همین معنا را برای این ماده ذکر کرده‌اند (برای نمونه: ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۰؛ ابن دُرَید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۳۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۶۲).
در جمهرة اللّغة آمده است:

قَرَبَ الشَّيْءُ قُرْبًا: ضَدَّ الْبُعْدَ (ابن دُرَید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۳۲۴).

وی در ادامه، تعبیر «قَرِيبُ الرَّجُلِ» را به کسی اطلاق می‌کند که از جهت نسب پدر یا مادر، نزدیکی خویشاوندی با شخص دارد (همان).

بسیاری از لغت‌دانان «قُربی» را به معنای خویشاوندی دانسته‌اند (برای نمونه: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۶۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۰۷).
فیومی نیز «قُربی» را به معنای خویشاوندی از طریق رَجَم تفسیر کرده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۹۵).

براین اساس، چنان‌که از منابع لغوی برمی‌آید، واژه «قُربی» به معنای خویشاوندی نسبی است، و با توجه به قید «رَجَم» که در سخن برخی لغت‌پژوهان آمده، این معنا به خویشاوندی از طریق نسب محدود می‌شود.

۳. تفاسیر قرن دوم و سوم امامیه

در مجموعه روایات منسوب به ابو حمزه ثمالی که در تفسیری به نام وی تنظیم شده، روایتی از ابن عباس نقل شده است که به هنگام ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه و استقرار پایه‌های اسلام، انصار خطاب به ایشان عرض کردند: «اگر در آینده با مشکلی مواجه شدید، اموال ما در اختیار شما خواهد بود.» در این هنگام آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ نازل شد. پیامبر ﷺ آیه را برای مردم تلاوت فرمود و عبارت «تَوَدُّونَ قَرَابَتِي مِنْ بَعْدِي» را بیان کرد (ثمالی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۹۳). این عبارت، می‌تواند دارای دو معنا باشد: نخست، این‌که خویشاوندان مرا پس از من دوست بدانید؛ و دوم، این‌که حرمت خویشاوندی با من را پس از من رعایت کنید.



روایت دیگری نیز در همین تفسیر از سُدّی نقل شده که به نظر می‌رسد گردآورنده آن را از مجمع‌البیان طبرسی اخذ کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۴۴). سُدّی در ذیل عبارت «...وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً...» مراد از «حسنه» را محبت به آل محمد ﷺ می‌داند (ثمالی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۹۳). از این تعبیر می‌توان نتیجه گرفت که منظور پیامبر ﷺ از «تَوَدُّونَ قَرَابَتِي مِنْ بَعْدِي» همان محبت نسبت به اهل بیت ایشان بوده است. در تفسیر مقاتل نیز آمده است:

مقصود این است که «خویشاوندی مرا رعایت کرده، از من پیروی و از آزار من خودداری کنید».

سپس بیان می‌دارد که:

این آیه با آیه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوْلَكُمْ» نسخ شده است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۷۶۹).

در تفسیر القمی روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که در آن بیان می‌فرماید:

زمانی که انصار به پیامبر ﷺ عرض کردند که اموالشان برای امور حکومت در اختیار ایشان است، آیه شریفه نازل شد که: «در برابر رسالت، از شما پاداشی نمی‌خواهم جز مودت در قریبی»، یعنی دوست‌داشتن اهل بیت پیامبر ﷺ (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۲۷۵).

امام صادق علیه السلام در ادامه این روایت توضیح می‌دهد که ممکن است کسی با پیامبر ﷺ دوستی داشته باشد، اما نسبت به اهل بیت ایشان در دل کینه داشته باشد و چنین دلی، سالم نخواهد بود. بنابراین، خداوند برای آن‌که قلب پیامبر ﷺ نسبت به امتش آزرده نباشد، مودت در قریبی را بر آنان واجب کرد. اگر بدان عمل کنند، واجبی را به جای آورده‌اند، و اگر ترک کنند، واجبی را ترک کرده‌اند. امام صادق علیه السلام در ادامه می‌فرماید:

انصار پس از آن‌که از نزد پیامبر ﷺ بازگشتند، برخی با تعجب می‌گفتند: ما اموال خود را در اختیار پیامبر گذاشتیم، ولی او نپذیرفت و در عوض دستور داد که از اهل بیتش در برابر دشمنان حمایت کنیم. برخی دیگر گفتند که پیامبر اصلاً چنین سخنی نگفته است، و گروهی نیز این کلام را افترا به خداوند دانستند (همان، ص ۲۷۵).

از نظر رجالی، سند این روایت دارای راویانی چون ابراهیم پدر علی بن ابراهیم قمی، ابن ابی نجران، عاصم بن حمید و محمد بن مسلم است که همگی در منابع رجالی امامیه از راویان موثق و مورد اعتماد شمرده شده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳۵، ۳۰۱، ۳۲۳).



در جمع‌بندی، همان‌گونه که مشاهده شد، در دو تفسیر امامیه از قرون دوم و سوم هجری، مراد از «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» در آیه شریفه، محبت نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ دانسته شده است. روایتی که علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده، از نظر سند معتبر و از لحاظ دلالت نیز گویای معنای روشن و منطبق با سیاق آیه است. این روایت، در ادامه پژوهش، به طور مفصل‌تر تحلیل خواهد شد.

۴. تفاسیر قرن دوم و سوم اهل سنت

ابن قتیبه در غریب القرآن، ابو عبیده مثنی در مجاز القرآن و عبدالله بن یحیی یزیدی در غریب القرآن و تفسیره از جمله مفسران قرون نخستین‌اند که در تفاسیر خود درباره عبارت «الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» سخنی به میان نیاورده‌اند. اما عبدالرزاق صنعانی در تفسیر خود دو روایت با دو سند متفاوت ذیل این آیه ذکر کرده است که هر کدام بیانگر معنایی متفاوت از «القربی» است.

روایت نخست از قتاده نقل شده که «القربی» را به خویشاوندی معنا کرده و مردم را به رعایت حرمت خویشاوندی با پیامبر ﷺ فراخوانده است. در ادامه، قتاده تصریح می‌کند که میان پیامبر ﷺ و تمام قریش پیوند خویشاوندی وجود دارد (صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۵۶).

بنابراین، مفهوم آیه از دیدگاه قتاده چنین است که پیامبر ﷺ هیچ مزدی در برابر رسالت خود نمی‌خواهد، مگر این که قریش به سبب خویشاوندی با او، محبت او را در دل داشته باشند.

روایت دوم، از حسن بصری نقل شده که «قربی» را به معنای هر آن چه موجب تقرب انسان به خداوند شود دانسته است (همان). طبق این روایت، آیه چنین معنا می‌شود: «در برابر رسالت مزدی نمی‌خواهم، مگر محبت نسبت به آنچه انسان را به خداوند نزدیک می‌کند». تفسیر صنعانی از این حیث اهمیت دارد که نخستین تفسیر شناخته شده‌ای است که دو روایت با سند درباره معنای این آیه نقل می‌کند.

از دیگر مفسران این دوره، فراء نیز به تبیین معنای آیه پرداخته و همان سبب نزول را ذکر کرده است. او «قربی» را به خویشاوندی پیامبر ﷺ تفسیر کرده و از ابن عباس (البته بدون سند) نقل کرده که مراد از آن، خویشاوندی با قریش است (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۳). در تفسیر فراء هیچ اشاره‌ای به معنای دوم ذکر شده در روایت حسن (نزدیک شدن به خداوند از طریق اعمال) وجود ندارد، که این امر نشان از اختلاف دیدگاه‌ها از همان آغاز دارد.

تستری نیز که به روش عرفانی گرایش دارد، تفسیری باطنی از آیه ارائه کرده و می‌گوید:
باطن آن، پیوند سنت با واجب است (باطنها صلة السنة بالفرض).

و در ادامه از حسن نقل می‌کند که:

هر کس با اطاعت به خداوند نزدیک شود، محبت به او واجب است (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۳۹).

آنچه تستری از حسن نقل می‌کند با آنچه صنعانی از وی روایت کرده، متفاوت است. روایت صنعانی بر دوست داشتن «هر چیزی» که موجب قرب به خداوند می‌شود، تأکید دارد، اما تستری بر وجوب محبت به شخصی که با اطاعت، به خداوند نزدیک شده است، تأکید می‌کند. در روایت صنعانی، سخنی از وجوب به میان نیامده است. ممکن است اختلاف میان این دو روایت به این دلیل باشد که از حسن دو معنا در تفسیر آیه نقل شده، یکی توسط صنعانی و دیگری توسط تستری.

جمع‌بندی این بررسی نشان می‌دهد که در تفاسیر اهل سنت در قرون دوم و سوم هجری، تفسیر واحدی از معنای «الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» ارائه نشده است. عدم اظهار نظر برخی مفسران درباره این آیه، ذکر تنها یک معنا توسط فراء، ارائه دو معنا توسط صنعانی و تفسیر باطنی تستری همگی نشان‌دهنده اختلاف دیدگاه‌ها در میان مفسران اهل سنت در خصوص معنای آیه است.

در حالی که در تفاسیر امامیه محوریت با اهل بیت علیهم‌السلام و محبت به آنان است، در تفاسیر اولیه اهل سنت چنین محوری دیده نمی‌شود. همچنین، نکته مهم دیگر آن است که مبنای مفسران اهل سنت در این دوره عمدتاً بر نقل روایات استوار است، و نه بر تحلیل‌های ادبی، سیاق آیات یا استشهاد به آیات دیگر قرآن. در واقع، رویکرد غالب آنان، روایی است. افزون بر آن، هیچ‌یک از روایات اهل سنت در این تفاسیر، سندی متصل به معصوم علیه‌السلام ندارند و خود این روایات نیز از نظر محتوایی با یکدیگر در تعارض اند.

۵. تفاسیر قرن چهارم امامیه

در میان تفاسیر امامیه متعلق به قرن چهارم هجری، دو تفسیر عمده باقی مانده‌اند: تفسیر العیاشی و تفسیر فرات الکوفی. با این حال، تفسیر العیاشی تنها شامل بخشی از قرآن کریم



است و از سوره کهف به بعد را در بر نمی گیرد. از این رو، آیه مورد بحث، یعنی «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» - که در سوره شوری (آیه ۲۳) قرار دارد - در تفسیر العیاشی وجود ندارد و نمی توان برای تحلیل این آیه به آن استناد کرد.

بدین ترتیب، در قرن چهارم هجری، تنها تفسیری که در میان آثار بازمانده از مفسران امامیه در دسترس است و به تفسیر این آیه پرداخته، تفسیر فرات کوفی است.

۵-۱. بررسی روایات فرات کوفی

فرات کوفی ذیل آیه مورد بحث نزدیک بیست روایت آورده است.

فرات پنج روایت با سند از ابن عباس نقل کرده است که مراد از «القربی» اهل بیت پیامبر ﷺ است. مضمون این پنج روایت این گونه است که وقتی آیه «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» نازل گردید. عده ای از پیامبر ﷺ پرسیدند که مراد از «القربی» چه کسانی هستند، ایشان فرمودند: «علی، فاطمه و دو فرزندشان ﷺ».

در چهار روایت از پنج روایت ابن عباس، آمده است که پیامبر ﷺ عبارت «علی، فاطمه و دو فرزندشان ﷺ» را سه بار تکرار کرد (فرات، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۹-۳۸۸).

در طبقه اول این پنج روایت سعید بن جبیر قرار دارد. در طبقه دوم اعمش قرار دارد که راوی چهار روایت سعید بن جبیر است. در طبقه دوم در یک روایت، اعمش قرار ندارد. در طبقه سوم، در تمامی پنج روایت، راوی الاشقر است. در طبقات بعد از الاشقر راویان متعدد می شود (فرات، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۹-۳۸۸). این توضیح نشان می دهد که پنج روایت ابن عباس تا طبقه سوم مفرد است و از طبقه سوم به بعد از افراد بیرون می آید.

در روایات فرات سه روایت ناظر بر سبب نزول است. روایت اول از جابر بن عبدالله انصاری به این مضمون است که روزی شتری در مقابل پیامبر ﷺ سجده کرد و اطرافیان از جابر می پرسند که آیا خودت شاهد آن بودی؟ جابر می گوید دیدم که شتر پیشانی بر زمین گذاشت. پیامبر ﷺ عمر را دستور داد تا شتر را بخرد و آزاد کند و او این کار را کرد. عمر به پیامبر ﷺ می گوید به خاطر آن چه آوردی و موجب هدایت ما شد، ما از شتر بر سجده کردن بر تو سزاوارتر هستیم. بر ما برای خودت پاداشی قرار بده تا انجام دهیم. پیامبر ﷺ فرمود:

اگر امر می کردم که کسی دیگری را سجده کند، به زن دستور می دادم تا همسرش را سجده کند.

جابر می گوید:

هنوز [از مجلس] خارج نشده بودم که آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ نازل شد.

درباره روایت فوق نکاتی قابل ذکر است. روایت فوق موقوف است و به فرض این که جابر شاهد سبب نزول بوده با دو سبب نزولی دیگری که خود فرات بیان داشته و با سبب نزولی که قمی از امام باقر (ع) در تفسیر خود آورده، در تعارض است. بخشی از مفاد روایت جابر - که می گوید من خودم دیدم که شتر به خاطر سجده بر پیامبر (ص) پیشانی بر زمین نهاد - نیز قابل مناقشه است؛ از این جهت که گرچه این کار محال عقلی نیست، اما در دیگر منابع معتبر شیعی و سنی نیامده است. همچنین دستور سجده زن به همسر خود نیز با روح آموزه های توحیدی سازگاری ندارد.

روایت دوم فرات کوفی - که ناظر بر سبب نزول آیه مورد بحث است - منقول از ابن عباس است. مضمون این سبب نزول مشابه مضمون سبب نزولی است که قمی از امام باقر (ع) آورده بود، جز این که در روایت امام باقر (ع) مراد از «القربی» اهل بیت پیامبر (ص) هستند و در این روایت عبارت «الا تودونی فی قربتی» آمده است (همان)، عین همین عبارت را در تفسیر ابو حمزه ثمالی آمده بود که با توضیحی که داده شد، مشخص گردید عبارت به معنای دوست داشتن اهل بیت پیامبر (ص) است.

روایت سوم فرات - که بر سبب نزول اشارت دارد - روایتی طولانی از عطاء بن ابی رباح است که از فاطمه دختر امام حسین (ع) در خواست می کند به او حدیثی بیاموزد تا روایت کند و با آن با مردم محاجه کند. فاطمه مضمون روایت سبب نزول قمی را کمی متفاوت، همراه با جزئیات بیشتر بیان می کند.

در این روایت، پیامبر (ص) بعد از بگومگوهای اصحاب درباره آیه مورد بحث، بالای منبر می رود و به بیان ویژگی های امام علی (ع) می پردازد (فرات، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۹۲). گرچه در روایت صراحت در مودت اهل بیت نیامده است، اما با توصیفات پیامبر (ص) از امام علی (ع) از فحوای کلام برداشت می شود که مراد از مودت قربی دوست داشتن ایشان است. نکته دیگر این که در این روایت به یکی از مصادیق «قربی» اشارت رفته است.

در بین روایات فرات کوفی یک روایت دیگر از امام باقر (ع) وجود دارد که مضمون آن





قسمت دوم روایت سبب نزول قمی است که مردی دوستی دارد اما نسبت به اقوام و خانواده دوستش احساس خوبی ندارد (فرات، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۹۹). این روایت در کنار آن روایت دیگری که فرات بخش اول روایت قمی را نقل کرده است، روی هم روایت کامل قمی را شکل می دهد که این نشان می دهد برخی از روایان، روایت امام باقر (ع) را کامل بیان داشته و برخی فقط قسمتی را نقل کرده اند.

چند روایت دیگر را فرات با اسناد مختلف نقل کرده است که یا مراد از «القربی» را اهل بیت پیامبر (ع) دانسته یا در توصیف امام علی (ع) است (فرات، ۴۱۰ق، ص ۳۹۹ - ۳۸۸). قدر مشترک روایات فرات کوفی با وجود اضطراب در متن، ویژگی خاص اهل بیت (ع) است که آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ درباره آنان نازل شده است. با نگاه تحلیل محتوا به روایات از جنبه آماری، بسامد بالای روایات نیز موجب تقویت صدور برخی روایات از معصوم (ع) در این زمینه است.

۶. تفاسیر اهل سنت در قرن چهارم

مهم ترین تفاسیر سنی این دوره عبارت اند از: تفسیر طبری، ابن ابی حاتم، سمرقندی و سلمی و طبرانی است. از بین این چهار مفسر، طبری مقدم بر دیگران است و از بقیه مفصل تر به موضوع پرداخته است.

سلمی به نقل از جعفر ذیل آیه ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ عبارت کوتاهی آورده است که می گوید:

من را دوست بدارید با اعمالی که باعث تقرب شما به خداوند می شود (سلمی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۵۳).

سلمی مانند تستری گرایش عرفانی در تفسیر دارد و از این جهت، تفسیری که از آیه ارائه داده بیشتر منعطف به گرایشش است و از تفسیر رایج دیگر آیه صرف نظر کرده است. سمرقندی، دو معنا برای آیه آورده است؛ یکی رعایت صله رحم با پیامبر (ع) و عدم آزار ایشان به نقل از مقاتل، دوم تقرب به خداوند با اعمال مناسب به نقل از حسن (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۲).

برخی از مفسران دیگر نیز به این دو معنا اشاره کرده اند (ابن ابی زمنین، ۱۴۲۲ق، ج ۲،

ص ۲۷۹؛ ماتریدی، ۴۲۶ق، ج ۹، ص ۱۲۱؛ نحاس، ۴۲۱ق، ج ۴، ص ۵۵؛ جصاص، ۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۶۳.

ابن ابی حاتم ذیل آیه ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ سه معنا برای «القربی» در هشت روایت ذکر کرده است. از این هشت روایت، مفاد یک روایت، ارتباطی با مودت در قریبی ندارد. در دو روایت، مراد از «القربی» را خویشاوندی پیامبر ﷺ با قریش دانسته است. در یک روایت، «القربی» به معنای دوست داشتن خداوند با اطاعت کردن از او، بیان شده است. در دو روایت اشاره به عمل انصار می‌کند که به پیامبر ﷺ گفتند اموال ما در اختیار تو باشد که آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ نازل شد.

در این دو روایت هیچ اشاره‌ای به ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ نشده است. دو روایت باقی می‌ماند که سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که منظور از ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ علی، فاطمه و فرزندان ایشان است. سند یک روایت تا ابن عباس مذکور، ولی در دیگری فقط نام سعید بن جبیر از ابن عباس آمده است. ابی حاتم روایتی را که بدون سند از ابن عباس آورده، ضعیف دانسته است، در حالی که درباره روایت دیگر، قضاوتی نداشته و مسکوت رهاش کرده است (ابن ابی حاتم، ۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۲۷۵). در هر حال، هر دو روایت از سعید بن جبیر منقول است. اگر آن ضعیف است، این نیز قاعدتاً باید ضعیف باشد یا اگر درباره یکی قضاوت شد، باید درباره دیگری هم قضاوت شود. سلسله سند یکی از روایات سعید بن جبیر همان روایات فرات کوفی از سعید بن جبیر است که پیش‌تر از آن‌ها سخن به میان آمد.

به طوری که ملاحظه گردید ابن ابی حاتم به صرف نقل روایات کفایت کرده و رأی مختار خود را اعلام نکرده است.

۶-۱. بررسی روایات طبری

به طوری که اشاره شد، طبری از مفسران دیگر اهل سنت این دوره مفصل‌تر به موضوع پرداخته و ۲۵ روایت در چهار معنا برای ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ ذکر کرده است (طبری، ۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۱۷-۱۵).

دسته اول، پانزده روایت است که مقصود ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را دوست داشتن





پیامبر ﷺ و محبت به ایشان به خاطر خویشاوندی که بین ایشان و قریش وجود دارد، دانسته است. از این پانزده روایت، چهار روایت از ابن عباس، از قتاده، ابی مالک و عکرمه هر کدام دو روایت و از مجاهد، سدی، ضحاک، ابن زید و عطاء بن دینار هر کدام یک روایت نقل شده است. مفهوم تمامی این روایات ناظر بر این است که به قریش سفارش شده پیامبر ﷺ را به خاطر قرابت بین شما و او، دوست بدارید.

دسته دوم، چهار روایت است که در یکی به صراحت مراد از ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را اهل بیت دانسته است. یک روایت با موضوع دیگری ذیل ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ آمده که مشخص نیست چرا طبری در این دسته قرار داده است.

سند روایتی که صراحت دارد منظور از ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ اهل بیت ﷺ است، به سدی می‌رسد که از ابی دیلم نقل می‌کند:

هنگامی که امام سجاده ﷺ به اسارت برده شد، در شام مردی برخاست و گفت: ستایش خداوند را که شما را کشت و ریشه شما را از بین برد و نسب فتنه (قربى الفتنه) را قطع کرد. امام ﷺ برخاست و گفت: آیا قرآن خوانده‌ای؟! آن مرد گفت: بله. امام ﷺ پرسید: آیا «آل حم» را خوانده‌ای؟ جواب داد: خیر. امام ﷺ گفت: آیا ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را نخوانده‌ای؟ مرد گفت: آیا مراد شما هستید؟ امام جواب داد: بله (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۵، ص ۱۶). به طوری که ملاحظه گردید، امام ﷺ در این روایت تصریح می‌کند که «القربى» ما اهل بیت هستیم.

دو روایت دیگر که طبری در این دسته قرار داده است، بدون هیچ توضیحی مراد از ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را «هی قربى رسول الله» (خویشاوندان رسول الله) ذکر کرده است. با توجه به این که این دو روایت را طبری در دسته روایت اسارات امام سجاده ﷺ قرار داده، مشخص می‌شود که منظور از «قربى» اهل بیت ﷺ هستند.

دلیل دیگر این که، یکی از این دو روایت از سعید بن جبیر است که پیش‌تر بیان شد که وقتی از ابن عباس از «القربى» سؤال شد، سعید بن جبیر پاسخ داد: مراد آل محمد ﷺ است که ابن عباس به او گفت عجله کردی. بلکه مقصود قریش هستند.

دسته سوم پنج روایتی است که مراد از ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را دوست داشتن اعمالی دانسته که موجب تقرب به درگاه خداوند می‌شود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۵، ص ۱۷). از این



پنج روایت، یک روایت از ابن عباس، به پیامبر ﷺ می‌رسد. از ۲۵ روایت طبری تنها این روایت به معصوم ﷺ ختم می‌شود. سه روایت از حسن و یک روایت از قتاده است. مشکل این دسته از روایات این است که با روایات سه دسته دیگر در تعارض است. ابن عباس، هم در این دسته قرار دارد و هم در چهار روایت دسته اول. حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه ابن عباس، «القربی» در آیه مورد بحث را به دو معنا دانسته؛ یکی خویشاوندی با قریش و دیگری هر عمل صالحی که موجب تقرب به خداوند شود؟!

به فرض این که مراد از آیه، دوست داشتن پیامبر ﷺ به واسطه خویشاوندی با قریش باشد، سؤالات دیگری نیز پیش می‌آید، از جمله این که آیا مورد فقط قریش زمان پیامبر ﷺ است یا شامل اعصار دیگر نیز می‌شود؟ اگر شامل زمان‌های دیگر هم می‌شود اکنون معیار تشخیص قریش از غیر قریش چیست؟

دسته چهارم تنها یک روایت از عبدالله بن قاسم است که می‌گوید مراد از ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ این است که صله رحم خویشاوند خودتان را داشته باشید (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۵، ص ۱۷). طبق این روایت خداوند به تمامی مسلمانان دستور می‌دهد که اجر رسالت پیامبر ﷺ این است که شما باید صله رحم نگه دارید. این روایت از چند جهت مشکل دارد؛ روایت مفرد است، به معصوم ختم نمی‌شود و با روایات دیگر نیز تعارض دارد.

از دیگر مفسران این عصر، طبرانی اقوال طبری را نقل کرده است؛ اما آنچه در دیدگاه ایشان قابل توجه و تأمل است، وجود دو روایت که ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را اهل بیت دانسته است. آنچه بیشتر تعجب برانگیز است، این که طبرانی یک روایت را از ابن عباس بدون ذکر سند آورده، که در آن از پیامبر ﷺ سؤال می‌شود «القربی» چه کسانی هستند؟ ایشان پاسخ می‌دهد: «علی، فاطمه و دو فرزندشان». این روایت با روایات دسته دوم طبری موافق است، اما در آن جا از ابن عباس نقل نشده است. این روایت می‌تواند مؤیدی بر روایات فرات کوفی از ابن عباس در این زمینه باشد که «القربی» را اهل بیت پیامبر ﷺ با تعیین مصداق دانسته بود.

روایت دوم طبرانی از امام علی ﷺ است که از ایشان نقل شده است که فرمودند:

درباره ما اهل بیت در سوره حم آیه‌ای وجود دارد که هر مؤمنی باید دوستی ما را حفظ کند و آن آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ است.

۷. تحلیل نهایی

دیدگاه مفسران امامیه و اهل سنت از قرن دوم تا چهارم بیان گردید. تفسیر هر دو گروه از آیه بر روایات استوار بود. روایات موجود در تفاسیر امامیه، مورد آیه را اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کنند، در حالی که تفاسیر اهل سنت چهار معنا برای آیه ذکر کرده‌اند. یک تفسیر در مقابل چهار تفسیر؟ به راستی کدام دیدگاه در معنای آیه درست است؟ همچنین در میان روایات اهل سنت، کدام یک مرجح است؟ آیا این چهار معنایی که در روایات اهل سنت نقل شده است، قابل جمع است؟ به نظر نمی‌آید؛ چگونه می‌توان عمل قریش را به واسطه خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله - که مستلزم دوست داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله شده است و در برخی روایات آمده - با هر چیزی که موجب تقرب به درگاه خداوند می‌شود جمع کرد، و یا این مورد را با معنای اهل بیت که در برخی روایات طبری آمده بود؟ شاید بتوان گفت روایات اهل بیت با عمل صالح قابل جمع است، این جهت که محبت و دوست داشتن اهل بیت مصداق عمل صالح است و نسبت آن‌ها عموم و خصوص مطلق است؛ اما در عین حال، با روایات دیگر در تعارض است. به نظر می‌رسد در میان روایات اهل سنت، یک دسته باید معنای درست آیه باشد؛ اما کدام؟ شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد روایات دسته دوم طبری که معنای آیه را اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کنند قابل ترجیح است که دلایل آن ذکر می‌شود؛ یکی این که این روایات موافق روایاتی است که در منابع شیعی در این زمینه وارد شده است. این نشان می‌دهد که این معنا در آن زمان رایج بوده است. اگر این معنا را بپذیریم، با سه معنای دیگری که برای آیه در منابع اهل سنت نقل شده است، چه باید کرد؟ همین معانی که بعدها اساس دیدگاه‌های بسیاری از مفسران شده است. نگارندگان معتقد هستند دو احتمال در رابطه با این روایات وجود دارد. احتمال اول این است که این معانی اجتهاد صحابه یا تابعان است؛ از این رو سه معنای دیگر را اجتهاد کردند. دلیل این ادعا این است که در برخی از روایات از ابن عباس یا برخی تابعان معنای آیه را مودت قریش به پیامبر صلی الله علیه و آله به واسطه خویشاوندی دانسته و در برخی روایات دیگر از همین افراد معنای عمل صالح موجب تقرب خداوند ذکر شده است.

احتمال دوم این است که شائبه جعل در این روایات احساس می‌شود. توضیح، این که در ذکر روایات فرات کوفی ملاحظه گردید که فرات پنج روایت از ابن عباس توسط سعید بن





جبیر نقل کرده بود. در روایات طبری نیز سعید بن جبیر در یک روایت نه سند آن، بلکه در متن آن آمده بود که شخصی از ابن عباس درباره معنای آیه پرسید؛ سعید بن جبیر پاسخ داد مراد آل محمد علیهم السلام است که ابن عباس به او گفت عجله کردی، معنای آیه چنین نیست، بلکه مودت تمام قریش است. چگونه است که فرات پنج روایت از ابن عباس با راوی سعید بن جبیر نقل می‌کند و اهل بیت را معنای آیه می‌داند، اما در روایت طبری، به صراحت، ابن عباس با دیدگاه سعید بن جبیر مخالف است؟ این جاست که دقت در موضوع شائبه جعل روایاتی که معنای آیه را غیر اهل بیت بیان داشته‌اند، تقویت می‌کند و به احتمال زیاد، انگیزه سیاسی و جریان‌ات مذهبی در واری این ماجرا بوده است. احتمالاً جاعلان با توجه به حضور سعید بن جبیر در روایاتی از ابن عباس در منابع شیعی - که «قربی» را اهل بیت دانسته - برای رفع دخل مقدر، روایت پاسخ سعید بن جبیر در حضور ابن عباس و تذکر ابن عباس به ایشان و بقیه روایات را جعل کرده‌اند تا موجب شک در روایات سعید بن جبیر از ابن عباس گردد.

حال اگر به روایات فرات و تفسیر ایشان ایراد گرفته شود و در انتساب تفسیر به ایشان تشکیک شود، این در صورتی موجب شک و تردید می‌شود که در منابع غیر تفسیری شیعه عصر فرات و قبل از آن این موضوع مطرح نشده باشد. منابع روایی عصر فرات و قبل از آن پر است از روایاتی که معنای آیه ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ را اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند (به عنوان نمونه: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۳؛ ج ۸، ص ۹۳؛ صدوق، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۳۳؛ همو، ۱۳۷۶ش، ص ۱۶۶ و ۵۲۷).

با توجه به توضیحات فوق و شواهد و دلایلی که ارائه گردید، معنایی که تفاسیر امامیه در قرون ابتدایی برای آیه ﴿...إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ ذکر کرده‌اند، دقیق تر است.

۸. نتایج

در تفاسیر اهل سنت از قرون دوم تا چهارم هجری، روایات متعددی در تبیین معنا و مصداق «الْقُرْبَى» در آیه ﴿...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...﴾ نقل شده است. در پرتو این روایات، معانی گوناگونی برای واژه «الْقُرْبَى» مطرح شده که در مواردی با آنچه در منابع تفسیری و روایی شیعه بر آن تأکید شده، تعارض یا مغایرت دارد. در قرن دوم هجری، برخی از مفسران اهل سنت مانند فراء یا قتاده، بدون استناد صریح



به روایت، برداشت‌هایی از واژه «القربی» ارائه کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر مانند عبدالرزاق صنعانی، تفاسیر خود را با استناد به روایات تدوین کرده‌اند. اما از اواخر قرن سوم و به ویژه در قرن چهارم هجری، غلبه با رویکرد روایی است و در تفاسیر اهل سنت، شاهد افزایش چشمگیر بسامد روایات در ذیل این آیه هستیم.

در نقطه مقابل، مکتب تفسیری امامیه از همان آغاز، بر مبنای روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام به تفسیر این آیه پرداخته و به صورت منسجم و متمرکز، «القربی» را ناظر به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دانسته است. نکته مهم آن است که این روایات نه تنها بر یک معنا و مصداق واحد تأکید دارند، بلکه به معصوم نیز ختم می‌شوند و از حیث سند، بسیاری از آن‌ها در منابع رجالی امامیه موثق شمرده شده‌اند.

در مقابل، روایات اهل سنت با دواشکال اساسی مواجه‌اند:

۱. موقوف بودن روایات: بسیاری از آن‌ها به صحابه یا تابعین ختم می‌شوند و به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متصل نیستند، لذا فاقد اعتبار حدیثی لازم است.

۲. تعارض روایات: نقل قول‌های مختلف، معانی متضادی برای «القربی» مطرح می‌کنند؛ گاه به معنای «قربت با قریش»، گاه «محبت با خویشاوندان»، گاه «عملی که موجب تقرب به خداست»، و گاه «اهل بیت».

افزون بر این، در بسیاری از این اقوال، شائبه اجتهاد صحابه و تابعین یا حتی احتمال جعل - به ویژه در مواجهه با فضای سیاسی حاکم بر قرون نخستین - وجود دارد که نیازمند بررسی دقیق‌تر سندی و تاریخی است.

از این رو، می‌توان گفت که تفسیر امامیه از آیه مودت، به دلیل انسجام در دلالت، اتصال به معصوم، و ثبوت سندی، از قوت بیشتری برخوردار است؛ در حالی که تفسیر اهل سنت از این آیه در قرون نخستین، پراکنده، متعارض و اغلب فاقد پشتوانه حدیثی معتبر است.

کتابنامه

قرآن

ابن‌ابی‌حاتم، عبد الرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.



- ابن أبی زمنین. (١٤٢٤ق). تفسیر ابن أبی زمنین. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن درید، أبوبکر محمد بن الحسن الأزدی. (١٩٨٧م). جمهرة اللغة. تحقیق رمزی منیر بعلبکی. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سلیمان، مقاتل. (١٤٢٣ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن فارس، أحمد. (١٤٠٤ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (١٤١٤ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- أبو حمزة ثمالی، ثابت بن دینار. (١٤٢٠ق). تفسیر القرآن الکریم. گردآورنده: عبد الرزاق محمد حرزالدین. بیروت: دار المفید.
- تستری، سهل بن عبد الله. (١٤٢٣ق). تفسیر التستری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جصاص، أحمد بن علی. (١٤٠٥ق). أحكام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (١٤١٤ق). تاج العروس من جواهر القاموس. تحقیق علی هلالی و علی سیری. بیروت: دار الفکر.
- راغب اصفهانی، أبوالقاسم حسین بن محمد. (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم والدار الشامیة.
- سمرقندی، نصرین محمد. (١٤١٦ق). تفسیر السمرقندی (بحر العلوم). بیروت: دار الفکر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (١٣٧٨ش). عیون أخبار الرضا. تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (١٣٧٦ش). الأمالی. تهران: کتابچی.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام. (١٤١١ق). تفسیر القرآن العزیز. بیروت: دار المعرفة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (١٣٧٢ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (١٤١٢ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- فراء نحوی، یحیی بن زیاد. (١٩٨٠م). معانی القرآن. قاهره: هیئة المصرية العامة للكتاب.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (١٤٠٩ق). کتاب العین. تهران: نشر هجرت.
- فیومی، أحمد بن محمد. (١٤١٤ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: مؤسسة دار الهجرة.
- قمی، علی بن إبراهیم. (١٣٦٣ش). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب
الإسلامية.

کوفی، فرات بن إبراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی.

ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی). بیروت: دار
الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

نجاشی، أحمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
نحاس، أحمد بن محمد. (۱۴۲۱ق). إعراب القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات
محمد علی بیضون.

